

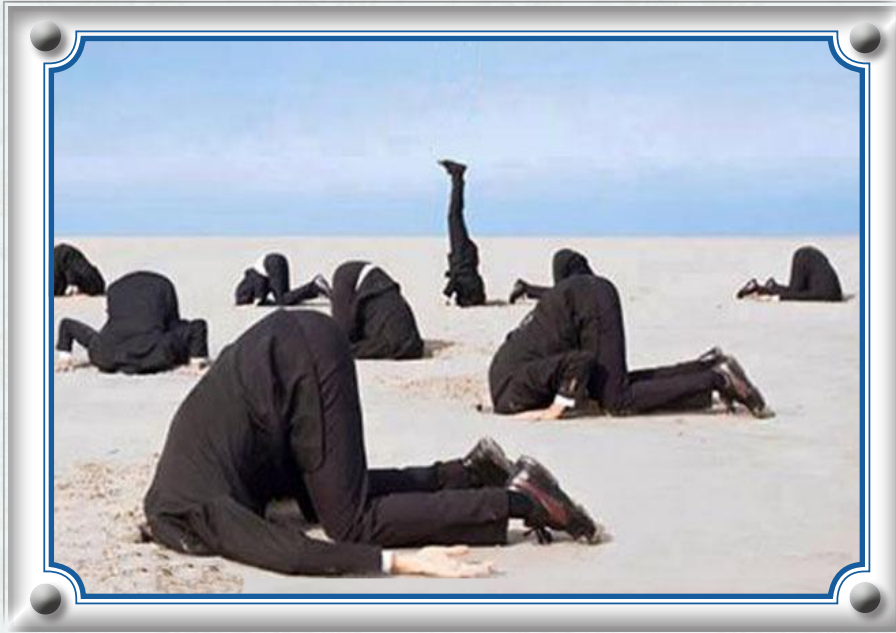
مقاله‌ها

از مطلعان بی مسؤولیت تا مسؤولان
بی اطلاع

نویسنده مقاله:
دکتر مصطفی فروتن

توجه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی شود.

بسم الله الرحمن الرحيم



مدت‌هاست کتاب گرانسنگ «بازگشت به اسلام» اثر علامه منصور هاشمی خراسانی در برخی کشورهای اسلامی به اشکال گوناگون منتشر شده است. امروز می‌توان گفت نهضت «بازگشت به اسلام» به واقعیتی انکار ناپذیر در جهان اسلام تبدیل شده و به رغم امکانات کم و مشکلات عدیده راه خود را ادامه می‌دهد و روز به روز در حال گسترش است. این جنبش اسلامی امروز همچون نهالی سبز و با طراوت است که با وجود بادهای و طوفان‌های روزگار، به فضل الهی راه رشد و بالندگی خود را طی می‌کند. واقع آن است که هرچه می‌گذرد، انسان‌های منصف و گوهرشناس و درد کشیده می‌فهمند که اندیشه‌های بی‌بدیل علامه خراسانی که همان اصل اسلام و اسلام اصیل است، تنها راه حل برون رفت از بن بست کنونی جهان اسلام و بشریت است، اما متأسفانه آن گونه که باید از این جریان سرنوشت‌ساز حمایت نمی‌شود. بدون تردید غفلت بیمار از داروی نایابی که او را مداوا خواهد کرد، از ارزش آن دارو نخواهد کاست، بلکه بیمار لاجرم برای تداوی و زنده ماندن مجبور است این دارو را اگرچه گران قیمت و تلخ باشد، تهیه کند و استفاده نماید. مثل مسلمانان و دولت‌های اسلامی نیز در شرایط فعلی همین است. بدون شک مسلمانان دیر یا زود به این نهضت مبارک خواهند پیوست و قدر آن را خواهند فهمید اما دریغ و افسوس فراوان بر هزینه‌های سنگین این کندی و سستی و غفلت است که مسلمانان در حال پرداخت آن هستند.

در این میان آن چه که درخور توجه و تحلیل از زوایای مختلف است، برخورد مردم ایران و حکومت آن با این جریان مبارک است. مردم شریف ایران که دارای سابقه درخشانی در حمایت از اسلام هستند و تجارب ارزشمندی در مبارزه با ظلم و فساد دارند، امروز نیز با وجود جوّ امنیتی سنگین حاکم بر ایران به پیشبرد اهداف این نهضت مبارک و حمایت از حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله، در شهرهای مختلف از طرق گوناگون می‌پردازند. اما چیزی که جای تأسف دارد این است که مسئولان نظام ایران به رغم تهدیدات مختلف ضدّ اسلامی و ضدّ ایرانی در اطراف ایران و پیشروی ساعت به ساعت جریان‌های خطرناک تکفیری در سراسر سرزمین‌های اسلامی و خصوصاً در مجاورت مرزهای ایران و نیز با وجود برخی مبانی و اهداف مشترک که زمینه‌ساز تعاون سودمند میان نظام اسلامی ایران و جنبش اسلامی بازگشت به اسلام، از این فرصت مغتنم بهره نمی‌گیرند و با تجاهل و بی‌اعتنایی و بعضاً حرکات خصمانه بر طبل دشمنی با این نهضت اسلامی می‌کوبند. این درحالی است که روز به روز بر وخامت اوضاع جهان اسلام افزوده می‌شود و دشمن لحظه به لحظه به تحقق اهداف شومش نزدیک‌تر می‌گردد. نموده‌های عینی این واقعیت را از پیشروی سریع نیروهای داعش در افغانستان و خصوصاً در ولایات شمالی آن گرفته تا تعرّض شدید وهابیان سعودی به مردم بی‌دفاع یمن می‌توان دید. در این بین چیزی که درخور تأمل و توجه است نقش افراد بی‌مسئولیت و سطحی‌نگر در نحوه برخورد نظام ایران با نهضت بازگشت به اسلام است که تنها از بُعد به اصطلاح امنیتی به این واقعیت می‌نگرند و با جوسازی و شلوغ کاری مانع ایجاد فضایی برادرانه به منظور بحث و گفتگو و رسیدن به تفاهمی تاریخی میان این نهضت مبارک و نظام اسلامی ایران می‌شوند. همان بی‌سیم به دستان بی‌سواد و چماق به دستان جوگیر و احساسی که برخلاف تصور خودشان بزرگ‌ترین دشمنان نظام ایران و رهبری آن هستند و با خامی و بی‌تدبیری، آب در آسیاب دشمنان می‌ریزند و تخم کینه و تفرقه و جدایی را در دل‌های مسلمانان می‌کارند. در چنین شرایط حساس و بغرنجی شایسته است مسئولان حکومتی در ایران زمام امور بنیادین و کلیدی این چینی را از جوانان پرشور و ناآگاه که تازه پشت لب‌هایشان سبز شده و نه آتش جنگ را دیده‌اند و نه غیر از چاپلوسی و تملق کاری آموخته‌اند، بگیرند و با تدبیر و پختگی، فرصت ارزشمند پیوستن به نهضت مبارک زمینه‌سازی برای ظهور مهدی علیه السلام را از مردم و نظام ایران نگیرند. شکی نیست که فایده این اتحاد و تعاون به جهان اسلام و مسلمانان و خصوصاً مردم شریف ایران خواهد رسید و زیان آن به دشمنان قسم خورده اسلام و ایران اصابت خواهد کرد. اما متأسفانه درک این واقعیت به

آینده‌نگری و تدبیری نیاز دارد که از جوانان بی‌تجربه و کم‌صبری که به زعم خودشان به دنبال مقابله با این حرکت اسلامی هستند برنمی‌آید. این جوانان بازی‌گوش، متأسفانه از غفلت پیران سیاست و تدبیر نظام ایران سوء استفاده می‌کنند و با اطلاعات بازی و بی‌سیم بازی خود، ضربه سنگینی را به اسلام می‌زنند و ناخواسته خدمت بزرگی به جریان‌های ضد اسلامی موجود در دنیا و سردمداران مستکبرشان می‌کنند. البته تردیدی نیست که به طور کلی طراوت و پویایی جوانان، زمینه‌ساز دست‌آوردهای بزرگ می‌تواند باشد، اما اگر این طراوت و پویایی، با تدبیر، تجربه، پختگی، شکیبایی و حزم و دوراندیشی پیران و کارکشتگان همراه نشود، فجایع بزرگی ایجاد خواهد کرد و پیامدهایی چون افراط و تفریط و برخوردهای احساسی و سلیقه‌ای و خطای در محاسبات به همراه خواهد داشت که گریبان تمام جامعه را از پیر و جوان خواهد گرفت. نمونه کوچکی از این واقعیت تلخ را در مدیریت احساسی جوان‌های تازه به دوران رسیده و غیر حرفه‌ای در دستگاه دیپلماسی ایران در سال‌های گذشته به وضوح می‌توان دید که زمینه‌ساز انزوای جهانی ایران و وهن اسلام و مذهب اهل بیت علیهم السلام گردید و هنوز تبعات آن بی‌تدبیری‌ها بر جای مانده است. به هر حال امید است دلسوزان واقعی اسلام و نظام در ایران در هر لباس و مقامی که هستند، با متوجه ساختن مسئولین محترم رده بالای نظام، زمینه ایجاد این پیوند مبارک را در شرایط حساس کنونی که بیش از هر زمان دیگری ضرورت وحدت، همدلی، همکاری و همراهی میان تمام نیروهای اسلامی علیه جبهه کفر و شرک و نفاق احساس می‌شود ایجاد کنند و با هوشمندی و هوشیاری، جلوی افراط و خودسری جوانان جوگیر و احساسی پایین دستی که از قضای روزگار کاری بزرگ به دستان کوچکشان افتاده است را بگیرند ان شاء الله.

